

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۳ اکتوبر ۲۰۱۸

شکست عربستان و متحدینش در جنگ یمن اجتنابناپذیر است

قریب به چهار سال است که عربستان با تشکیل ائتلاف ضد یمنی، متشکل از: امارات متحده عربی، کویت، بحرین، مراکش، مصر، سودان، سنگال، اردن و پشتیبانی امریکا جنگ تجاوزکارانه و خونینی را تحت نام «طوفان قاطعیت» علیه یمن، این فقیرترین کشور منطقه به پیش می‌برد. به جرأت می‌توان گفت که هر روزی که از این جنگ می‌گذرد، شکست عربستان و متحدینش، به ویژه امریکا، که در اصل فرمان این جنگ خانمانسوز را صادر کرده است، بیشتر عیان می‌شود.

اما چرا به دیده ما امپریالیسم امریکا طراح اصلی جنگ یمن به‌شمار می‌آید؟

روزنامه «پبستور پست – پنسیلوانیا» در اکتوبر ۲۰۰۰ نوشت: «...» «سکو ترا» خارج از ساحل یمن به عنوان منطقه‌ای انتخاب شده بود که امریکا نقشه داشت در آنجا یک سیستم اطلاعاتی سیگنال بسازد. این اقدام در واقع آغازی بود برای میلیتاریزم کردن اقیانوس هند. پایگاه «سکو ترا» در عین حال مکمل و پشتیبان نقش پایگاه نظامی «دیگو گارسیا» در «مجمع الجزایر چاکوس» نیز هست. دریاسالار «آلفرد تی‌ماهان» قبل از جنگ جهانی اول معتقد بود که «هر کس به برتری در اقیانوس هند دست‌یابد، نقش برجسته‌ای در صحنه بین‌المللی خواهد داشت...». «این اقیانوس کلید هفت دریا در قرن بیست و یکم است و سرنوشت جهان در این آب‌ها رقم خواهد خورد». لذا سلطه نظامی بر راه‌های بحری جزو اهداف ستراتیژیک امپریالیسم امریکا به‌شمار می‌آیند. خلیج فارس، بحیره عرب، اقیانوس هند، بحیره عمان، بحیره سرخ، که همه اینها به وسیله آبراه‌های ستراتیژیک نظیر تنگه هرمز، باب المندب و کانال سوئز به مدیترانه متصل می‌شوند، شاه‌رگ حیاتی بسیاری از کشورها، که به نفت و گاز این منطقه نیاز مبرم دارند، محسوب می‌شوند. بخش عظیمی از صادرات صنعتی اروپا به آسیا و به عکس چین به اروپا از طریق این آبراه‌ها انجام می‌گیرد. حتی داد و ستدهای افریقا به اروپا و بالعکس از کناره «اسکو ترا» از خلیج عدن و بحیره سرخ در رفت و آمدند. به دیگر سخن، اقیانوس هند، شرق آسیا، خاورمیانه و افریقا را به اروپا متصل می‌کند.

یکی از اهداف ستراتیژیک امریکا نظارت بر همه راه‌های آبی خلیج عدن از یمن تا سواحل سومالی است. در نتیجه جزایر «اسکو ترا»، که ۳۰۰۰ کیلومتر از پایگاه نظامی – بحری «دیگو گارسیا»، که یکی از بزرگترین تأسیسات

نظامی خارج از امریکا به شمار می‌آید، فاصله دارد، نقش کلیدی برای امپریالیسم ایفاء می‌کند که در عین حال سلطه بر آبراه باب‌المنذب را نیز مد نظر دارد.

تجاوز عربستان و ائتلافش - به دستور امریکا - به یمن در واقع در خدمت این هدف ستراتیژیک امریکا قرار دارد و نه ادعای کاذب «درگیری میان شیعه و سنی». **هدف عربستان در اصل از بین بردن استقلال یمن و اعمال سلطه کامل، به نیابت از امریکا بر این کشور است.** کما این که پایگاه نظامی امریکا در «اسکوترا» با ادعای دروغین «مقابله با دزدان بحری القاعده» ایجاد شده است، ولی در عمل یک پایگاه نظامی برای کنترل راه‌های آبی منطقه به شمار می‌آید.

اما آیا برنامه‌های تجاوزکارانه امریکا از طریق عربستان و متحدینش، که هر روز از تعداد آنها کاسته می‌شود، به نتیجه مطلوب خواهد رسید؟

علی‌رغم تبلیغات گوش‌خراش رسانه‌ها، مبنی بر پیشروی گروه ائتلاف در یمن، هر روز امید ائتلاف به دستیابی به اهداف تعیین شده بیشتر به ناامیدی مبدل می‌شود. ارتش یمن و «کمیته‌های دفاع مردم» نه تنها از مواضع خود عقب‌نشینی نکرده‌اند، بلکه در شرق و جنوب این کشور به پیشروی‌هایی نیز نائل آمده‌اند، به قسمی که رسانه‌های کشورهای ائتلاف امروز به جای واداشتن انصارالله به عقب‌نشینی، از واداشتن آنها به نشستن پای میز مذاکره تغییر لحن داده‌اند! به دیگر سخن؛ عربستان به دنبال یافتن راه حل آبرومندانه برای خروج از باتلاق جنگ یمن است. تا دیروز رسانه‌های سعودی تسلط بر صنعا و ولایات دیگر را جشن گرفته بودند، ولی امروز صنعا زیر حملات وحشیانه بمب‌های امریکائی قرار گرفته است. در واقع ائتلاف گویا مناطق تحت سلطه خود را بمباران می‌کند!!

از سوی دیگر امارات، که با حمایت امریکا جنگ با یمن را از طریق بندر «الحدیده» به عهده گرفته است، علی‌رغم شکست در «منهم»، «صِرواح» و «تَعِز» اکنون قصد پیشروی در «الحدیده» را دارد که با مقاومت جانانه روبه‌رو شده است. نبرد در بندر «الحدیده» برای متجاوزان ساده نخواهد بود. مقاومت قریب به ۴ سال گذشته نشان می‌دهد که اراده دفاع از استقلال کشور یمن، که در این میان فرقی میان شیعه و سنی نیست، شکست‌ناپذیر است. «اتحاد سنی»، که در ریاض به وجود آمده است، تا مقاومت حوثی‌های شیعه را در هم‌شکند و ثبات برای هادی، رئیس جمهوری که وابسته به عربستان است و غرب او را به رسمیت می‌شناسد، به وجود آورد، به شکست انجامیده است. **زیرا سنی‌ها و شیعیان یمن در یک جبهه برای حفظ استقلال خود می‌رزمند.** از سوی دیگر گیرافتادن ائتلاف در منجلاب جنگ یمن باعث فروپاشی تدریجی آن شده است. کشور ابوظبی که از جنگ شیعه و سنی و قطع نفوذ ایران در یمن دم می‌زند از آنجا که خود فاقد ارتش است، مزدوران مسیحی جوخه‌های مرگ کلمبیائی را به‌عنوان ارتش خصوصی استخدام کرده و مانند "ارتش بلاک واتر" که ارتش خصوصی امریکائی‌ها در عراق و افغانستان بود و هست به یمن گسیل داشته تا به‌کشتار مردم مسلمان یمن مشغول شوند.

ضدانقلاب مغلوب سلطنتی در ایران، جاسوسانی نظیر سازمان ضد خلقی مجاهدین خلق و اپوزیسیون خودفروخته از دخالت ایران در امور داخلی یمن سخن می‌رانند تا با هموائی با ترمپ، تجاوز امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع سیاه منطقه را به یمن توجیه کنند. فریادهای این اپوزیسیون تکرار سخنان ترمپ است که قرارداد برجام را با ریاکاری به هم زد و آن را به گردن سیاست خارجی جمهوری اسلامی انداخت و خواست که ایران از سوریه، عراق، یمن و منطقه ... خارج شده و مانع توسعه داعش و سیاست ستراتیژیک امپریالیسم در منطقه نشود. این جبهه ضد انقلاب از بوی خون مُسکر شده، با تجاوز عربستان سعودی و نقض حاکمیت و تمامیت ارضی یمن موافق است و آرزوی تجاوز امریکا به

ایران را در سر می‌پروراند. تکرار اتهامات ترمپ و ناراحتی وی از اتخاذ یک سیاست خارجی که منطبق با خواست صهیونیسم و امپریالیسم نیست، منطبق با خواست اپوزیسیون خودفروخته ایران نیز نمی‌باشد.

مصر گرچه به ائتلاف نظامی تحت فرماندهی عربستان سعودی علیه یمن پیوست، اما حاضر نشد نیروی زمینی به یمن با توجه به تجربه دوران حکومت جنرال سلال در یمن، اعزام کند و تنها به اعزام چند ناوچه به آب‌های یمن اکتفاء کرد. عربستان در یمن نیاز به نیروی زمینی داشت که تنها مصر و پاکستان قادر بودند از عهده آن برآیند. مجلس پاکستان نیز با اعزام نیروی زمینی به یمن مخالفت کرد و با مصر هم‌عقیده شد. عدم حضور نیروی زمینی مؤثر در عملیات نظامی در یمن در واقع جنگ ائتلاف علیه یمن را به یک جنگ فرسایشی، بدون دورنما تبدیل کرده است. عربستان که گمان می‌برد می‌تواند با پرداخت کمک‌های مالی به مصر آنها را در ارسال نیروی زمینی متقاعد کند، پس از مایوس شدن، این کمک‌ها را تعلیق کرد. ارتش مصر یک بار تجربه ناموفق دخالت در امور داخلی یمن را در زمان عبدالناصر داشت و می‌دانست که راه به‌جائی نمی‌برد.

مخالفت السیسی، رئیس جمهور مصر، با ارسال نیروی زمینی، ریشه در مخالفت سران ارتش، مقامات ارشد دولتی و دستگاه قضائی این کشور دارد. مصر در عین حال با رأی مثبت به قطعنامه پیشنهادی روسیه، مبنی بر آتش‌بس در «حلب»، خشم عربستان سعودی را بیشتر برانگیخت. اکنون مصر به رقبای امریکا روی آورده است و با روسیه روابط دوستانه برقرار کرده و از چینی‌ها برای سرمایه‌گذاری در مصر دعوت به عمل آورده است. در عین حال مصر برای تأمین انرژی که عربستان می‌تواند جلوی صدور آن به این کشور را بگیرد، به عراق نزدیک شده است.

پشتیبانی ترکیه از اخوان المسلمین را می‌توان علتی ریشه‌ای و مهم در تیرگی روابط این کشور با عربستان قلمداد کرد. گرچه ملک سلمان در زمان ولیعهدی‌اش گام‌هایی برای بهبود روابط دو کشور برداشت، ولی دوام چندانی نیافت. ترکیه حتی در ائتلاف عربستان با قطر، کنار قطر ایستاده است، زیرا قطر با حمایت اخوان المسلمین با جنبش حماس روابط نزدیکی دارد. در صورتی که عربستان از نظامیان مصر علیه مرسى (اخوان المسلمین) دفاع کرد.

عربستان با پشتیبانی از گروه‌های مخالف اردوخان در واقع در مقام تلافی پشتیبانی ترکیه از قطر برآمده است و از شدیدترین حملات لفظی علیه اردوخان ابائی ندارد. از سوی دیگر در حالی که عربستان برای ضربه‌زدن و تضعیف رژیم اسد موافق جدائی کرده‌های سوریه است، ترکیه گروه‌های شمال سوریه را مورد حمله قرار می‌دهد، تا مبادا گروه‌های ترکیه نیز در این راه گام گذارند. می‌توان گفت که آنها هر دو داعیه رهبری کشورهای مسلمان سنی را در سر می‌پروراند. مضافاً این که عرب‌ها خاطره خوشی از عثمانی‌ها ندارند، ولی اردوخان به دنبال احیای عثمانی و از این طریق کسب رهبری جهان اسلام (سنی) است. به یک کلام؛ ترکیه در پی رهبری دنیای عرب است، در حالی که عربستان خود را أم‌القرای اسلام می‌داند و از اینرو شدیداً با ترکیه در تضاد قرار دارد. به دیگر سخن؛ اخوان المسلمین میانه‌رو در مقابل سلفیست‌های وهابی این مباشران داعش قرار گرفته‌اند.

به علاوه امریکا با حمایت‌های سیاسی و نظامی از عربستان به ویژه فروش ۴۸۰ میلیارد دالر اسلحه به این کشور، آب پاکی را روی دست اردوخان، که فکر می‌تواند از پشتیبانی امریکا بهره‌مند گردد، ریخت. از اینرو ترکیه چه در رابطه با قطر و چه در رابطه با سوریه بیشتر به سمت روسیه و ایران تمایل پیدا کرده است. ترکیه که به خاطر ماجرای انتقال گاز از عربستان و قطر از طریق اردن، سوریه و ترکیه به اروپا با مخالفت اسد روبه‌رو شده بود و در همکاری با عربستان، داعش را خلق کرده و خواستار سرنگونی رژیم مستقل و مشروع بشار اسد شده بود، امروز از آن موضع عدول کرده و به موضع روسیه و ایران پیوسته است. به طور کلی چنین به نظر می‌رسد که امریکا در سیاست ستراتیژیک میان‌مدت و درازمدت خود روی عربستان و اسرائیل حساب باز کرد و نه مصر و ترکیه.

علاوه بر این «محمد سابور»، وزیر دفاع مالزی گفت که مالزی قصد دارد نیروهای نظامی خود را از عربستان خارج کند. او اظهار داشت که: «چرا باید ما در حملات به یمن مشارکت داشته باشیم؟». او اضافه کرد که کشورش نمی‌خواهد در درگیری بین کشورهای خلیج فارس شرکت داشته باشد. مالزی یکی از ۳۴ کشور همپیمان عربستان در «مبارزه علیه تروریسم» است.

از سوی دیگر سودان که نیروهای نظامی‌اش در جبهه الحدیده تلفات سنگینی داده‌اند، نیز در شرف خارج کردن نیروهای نظامی‌اش از جبهه ضد یمنی عربستان است. نمایندگان پارلمان این کشور صدای اعتراض خود را بلند کرده و اعلام کرده‌اند که سودان باید از این ائتلاف خارج شود. همپیمانان ریاض یکی پس از دیگری در حال ترک ائتلاف‌اند. مخالفت قطر با سیاست‌های عربستان و متعاقب آن تحریم‌شدنش توسط کشورهای عربی به فرمان عربستان، خشم کشور مراکش از اقدام نماینده عربستان در خصوص رأی‌دادن علیه این کشور برای میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶ و خائن‌نامیدن ریاض، پشت کردن چاد، سنگال و سودان به عربستان در رابطه با تحریم قطر و... نمونه‌هایی از انزوای روزافزون و در نهایت شکست عربستان در سیاست‌های سلطه‌طلبانه و جنگ افروزان‌اش به‌شمار می‌آیند.

گرچه عربستان، امارات، بحرین و مصر از ۵ جون ۲۰۱۷ با متهم کردن قطر به «حمایت از تروریسم» روابط خود را با این کشور قطع کرده‌اند، اما امروز، همانگونه که در بالا اشاره رفت، مصر در تحت فرمان عربستان عمل نمی‌کند و بحرین نیز در شرف خارج شدن از ائتلاف می‌باشد.

«آنتونیو کوترش»، دبیر کل ملل متحد نیز حملات هوایی اخیر عربستان را به اتوبوس حامل کودکان در استان «صعره»، که منجر به کشته شدن ۵۰ کودک و زخمی شدن ۸۲ نفر گردید، محکوم کرده و خواستار قطع بمباران یمن و آغاز مذاکره برای صلح گردید. در عین حال مطبوعات انگلستان هنگام سفر محمد بن سلمان به این کشور مقالات و گزارشات مفصلی درباره تجاوز وحشیانه عربستان به یمن به نگارش درآوردند و فاجعه‌ای را که عربستان برای مردم محروم این کشور به وجود آورده است، محکوم کردند. از سوی دیگر «العالم» ۵ آذر [قوس] ۱۳۹۵ نوشت: «اتحاد چهارگانه سوریه، عراق، الجزایر و مصر در حال شکل‌گیری است». در عین حال السیسی، رئیس جمهور مصر، در مصاحبه با تلویزیون پرتگال از ارتش سوریه حمایت کرد و خواهان حفظ تمامیت ارضی این کشور شد و از لیبیا و عراق نیز پشتیبانی کرد. «محمد رشاد»، یکی از مسؤولان بلندپایه سازمان اطلاعات مصر، در پاسخ به درخواست «جان بولتون» برای اعزام نیرو به سوریه گفت: «نیروهای مصر مزدور نیستند و ستراتیژی قاهره در قبال سوریه بر مبنای حمایت از وحدت اراضی سوریه و ارتش ملی این کشور است».

روزنامه اسرائیلی «جروزالم پست» اخیراً نوشت: «در حال حاضر عربستان هیچ ستراتیژی برای خاتمه‌دادن به جنگ یمن در دست ندارد و این در حالی است که تلاش سعودی‌ها برای رویارویی و مقابله با ایران در دیگر میدان‌ها، از جمله سوریه، با شکست مواجه شده است». و سپس می‌افزاید: «عربستان سعودی و امارات تاکنون میلیاردها دالر صرف جنگ با شیعیان یمن (بخوان مردم یمن و استقلال یمن- توفان) کرده‌اند. اما ... طی سه سال گذشته راه به جایی نبرده است». «ائتلاف با کمرنگ شدن حمایت متحدان محلی و ایجاد اختلاف میان آنها در آستانه فروپاشی است». ... «یکی از دلایل کاهش حمایت متحدان این است که ائتلاف با انجام هزاران حمله هوایی به یمن تاکنون نتوانسته است بر این کشور غلبه کند». این روزنامه در ادامه می‌نویسد: «... در هفته اخیر شهر عدن... صحنه درگیری نیروهای تحت حمایت امارات و نیروهای تحت حمایت عربستان بود». «... درگیری نظامی نیروهای (بخوان مزدوران - توفان) تحت حمایت عربستان و نیروهای تحت حمایت امارات در عدن شکست ائتلاف سعودی را تسریع خواهد کرد».

«راجر بویز»، تحلیل‌گر رونامه‌تایمز می‌نویسد: «ولیعهد سعودی در پایان دادن معقول جنگ یمن شکست خورده است و راکت‌های نیروهای حوثی، که توانسته‌اند به نزدیک ریاض برسند، چهره دستاوردهای بن‌سلمان را مخدوش کرده است».

از طرف دیگر جنگ یمن که یک فاجعه انسانی دیگر را رقم می‌زند و تاکنون ۱۰ هزار کشته، ۳ میلیون آواره و ۷ میلیون نفر را به گرسنگی و فقر مطلق کشانده است، بیم هجوم موج تازه‌ای از پناهندگان یمنی از طریق افریقا به اروپا را در اذهان سران اروپا ایجاد کرده است. از اینرو شکایت اروپائیان از «زیرپاگذاردن حقوق بشر در یمن توسط عربستان» هر روز بیشتر از روز قبل به گوش می‌رسد. مضافاً این که با ناامن‌شدن روزافزون منطقه جریان انتقال نفت و گاز منطقه به اروپا نیز به خطر می‌افتد. لذا برخی از کشورها، نظیر آلمان، در محکومیت عربستان، صادرات سلاح به این کشور را تحریم کرده‌اند. «راجر بویز»، تحلیل‌گر تایمز در این رابطه می‌نویسد: «جنگ یمن برای انگلیس نیز به یک مشکل تبدیل شده است، زیرا عربستان از تجهیزات و تسلیحاتی استفاده می‌کند که از انگلستان خریده است».

«مارتین گریفیتیس»، نماینده ویژه ملل متحد در مذاکرات یمن، در ۱۹ مرداد [اسد] اعلام کرد که ملل متحد معتقد است که «اولویت در مذاکرات ژنیو بر محور تشکیل دولت ملی قرار خواهد داشت».

سران سعودی می‌پندارند که به ضرب دالر نفتی و حمایت همه‌جانبه امپریالیسم امریکا قادر خواهند شد که سلطه خود را بر منطقه بگسترانند، ولی مخالفت و مقاومت مردم کشورهای منطقه از مصر گرفته تا سودان و قطر و یمن در مقابل بلندپروازی‌ها و تجاوزات این کشور، دیر یا زود نقشه‌های آنها را نقش بر آب خواهد کرد.

جنگ یمن به طور قطع با شکست متجاوزان مواجه خواهد شد و به اعتبار عربستان سعودی بیش از پیش لطمه وارد خواهد ساخت. عربستان سعودی وارد باتلاقی شده است که خروج از آن بدون آبروریزی و بدنامی امکان‌ناپذیر است. قریب به ۴ سال است که عربستان منازل مسکونی، مدارس، زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها، بازارها و مساجد یمن را هدف بمباران قرار داده است. یک سناتور امریکائی از پمپئو، وزیر خارجه امریکا می‌پرسد: «در حالی که عربستان ۱۶ هزار بار یمن را بمباران کرده است، چرا هیچ کس از آن حرفی نمی‌زند؟». این بمباران‌ها در کنار محاصره راه‌های هوایی، زمینی و آبی تاکنون ثمری جز ۱۰ هزار کشته و ده‌ها هزار نفر زخمی، ۷ میلیون آواره به بار نیاورده است. یک گروه امداد بین‌المللی تخمین زده است که در اثر محاصره یمن روزانه بیش از ۱۳۰ کودک در یمن از فرط گرسنگی و بیماری و بی‌دارویی جان می‌سپارند. حتی سازمان «جان‌کودکان را نجات دهید» با انتشار آماری از ۵۰ هزار کودک جان‌باخته در اثر وبا و گرسنگی در سال ۲۰۱۷ یاد می‌کند. قریب به نیمی از جمعیت ۲۸ میلیونی یمن به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند. به گزارش سازمان ملل بیش از ۲۲ میلیون نفر در این کشور به کمک‌های انسانی مبرم نیازمندند. نیم میلیون نفر از مردم یمن در اثر نبود آب آشامیدنی به بیماری مرگ آور وبا مبتلا شده‌اند. ملل متحد و یونسف از «بدترین بحران بشری» سخن می‌گویند. عفو بین‌الملل حملات عربستان را جزو «جنایات جنگی» به‌شمار آورده است.

اما دونالد ترامپ در جریان استقبال از محمدبن‌سلمان در کاخ سفید با در دست داشتن تابلویی که بر آن میزان بالای فروش اسلحه امریکا به عربستان نقش بسته بود، استقبال و ابراز خشنودی می‌کند!

امریکای «حقوق بشر طلب، که خود پایه‌گذار این فاجعه انسانیست، باید هم اظهار خشنودی کند!»

آینده عربستان در گرو پیروزی در جنگ یمن است. در غیر اینصورت نقشه‌های بن‌سلمان و امریکا نقش بر آب خواهد شد و روسیاهی به ذغال خواهد ماند.

[برگرفته از توفان شماره ۲۲۳ مهر ماه \[میزان\] ۱۳۹۷ - اکتوبر سال ۲۰۱۸](#)

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)